



Investigating the nature of the rentier patrimonial government in the second Pahlavi period; (1342 to 1357)

Mojtaba Miri¹ | Reza Mozhdehipour² | Habib Atanezhad³

Abstract

Various theories have been presented about the nature of Pahlavi II's rule, and each of these theories has explained the nature of Pahlavi II's rule from a specific angle. Each author has organized his theory based on his own perception of the main feature of Mohammad Reza Pahlavi's government, some have made economy, some culture, some politics and some social features the criteria of their assessment of the nature of Pahlavi II's government. In this regard, various theories have been proposed to explain the nature of the second Pahlavi government, such as the theory of patrimonialism, oriental tyranny, absolute government, rentier government, Sultanate regime, etc. However, the nature of this government is still disputed by theorists, so the author in this article seeks to answer the question, which theory has the greatest ability to explain the nature of Mohammad Reza Shah's government between 1342 and 1357? In this regard, the author believes that none of the theories presented about the nature of Pahlavi II's government alone can explain the nature of Mohammad Reza Shah's government, and the application of each of these theories alone has shortcomings and weaknesses. Therefore, by presenting the theory of patrimonialism, Tahsildar tries to explain what the second Pahlavi government is, which is a combination of patrimonialism and rentier government.

Keywords: Second Pahlavi, patrimonialism, rentier government, government theory, oil.

1. PhD student in Political Science, Faculty of Political Science, Tehran Azad University, Center, Tehran, Iran
mojtabamiri43@gmail.com

2Political Science, Faculty of Political Science, Khwarazmi University, Iran: Tehran

3. Imam Hussain university

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



۳

سال نهم
پاییز ۱۴۰۲
صص: ۹۵-۱۱۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۹/۰۴
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۱۰/۱۲



بررسی ماهیت دولت پاتریمونیالیسم رانتی در دوره پهلوی دوم؛ (۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷)

مجتبی میری^{۱*} | رضا مزدهی پور^۲ | حبیب عطا نژاد^۳

چکیده

درباب ماهیت حکومت پهلوی دوم تاکنون نظریات مختلفی ارائه شده است که هر کدام از این نظریات از زاویه خاصی به تبیین ماهیت حکومت پهلوی دوم پرداخته است. هر نویسنده براساس برداشت خاص خود از اصلترین ویژگی حکومت محمد رضا پهلوی نظریه خود را سازماندهی کرده است. برخی اقتصاد، برخی فرهنگ، برخی سیاست و برخی ویژگیهای اجتماعی را ملاک ارزیابی خود از ماهیت حکومت پهلوی دوم قرار داده اند. در همین راستا تاکنون نظریات مختلفی برای تبیین ماهیت دولت پهلوی دوم از جمله نظریه پاتریمونیالیسم، استبدادشرفی، دولت مطلقه، دولت رانتیر، نظام سلطانی و... ارائه شده است. با این وجود ماهیت این حکومت هنوز مورد مناقشه نظریه پردازان است، بنابراین نویسنده در این مقاله درصدد پاسخ به این سوال است که چه نظریه ای بیشترین قابلیت تبیین ماهیت دولت محمد رضا شاه در بین سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ را دارا میباشد؟ در همین راستا نگارنده معتقد است که هیچکدام از نظریات ارائه شده در مورد ماهیت حکومت پهلوی دوم به تنهایی نمیتوانند ماهیت دولت محمد رضا شاه را تبیین کنند، و کاربرد هر کدام از این نظریات به تنهایی دارای کاستی ها و ضعف هایی می باشد. بنابراین با ارائه ی نظریه پاتریمونیالیسم تحصیلدار که تلفیقی از دونظریه پاتریمونیالیسم و دولت رانتیر است سعی دارد تا به تبیین چستی حکومت پهلوی دوم بپردازد.

کلیدواژه‌ها: پهلوی دوم، پاتریمونیالیسم، دولت رانتیر، نظریه دولت، نفت.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران مرکز، تهران، ایران.

mojtabamiri43@gmail.com

۲ علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، ایران: تهران.

۳ دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

© نویسندگان



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

در جهان کنونی دولت ملتها بازیگران اصلی عرصه‌ی داخلی و بین‌المللی هستند و به این علت نظریه پردازان متعدد به نظریه پردازی در مورد ماهیت دولتهای مختلف پرداخته‌اند. در این نظریات محققین با مطالعه و بررسی ویژگیهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورها و مشخص کردن ویژگیهای کلی جوامع آنها به آرایه‌ی الگو و طرح خود درباره‌ی ماهیت دولت در کشور مورد نظر خود می‌پردازند. در نظریات مختلفی که از ماهیت یک دولت آرایه‌ی میشود، نظریه‌ی بیشترین قابلیت تطابق با دولت مزبور را دارد که بتواند دقیق‌تر و روشن‌تر ساختارهای مختلف (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی) آن کشور را تبیین کرده و ویژگیهای اصلی آن را استخراج نماید.

در مورد ایران نیز نظریه پردازان مختلفی با مطالعه‌ی شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران به بررسی ماهیت دولت در ایران پرداخته‌اند و نظریات مختلفی را ارائه دادند. دولت پهلوی دوم نیز یکی از دولت‌هایی بود که نظریه پردازان مختلف به بررسی ماهیت آن دولت پرداختند و تلاش داشتند با توجه با داده‌های بدست آورده خود نظریه‌ی ای برای ماهیت حکومت پهلوی دوم ارائه دهند. در این مقاله نیز نویسنده در پی روشن کردن ماهیت دولت پهلوی دوم است و میخواهد به این پرسش پاسخ دهد که ماهیت این دولت با چه نظریه‌ی قابل تبیین است؟ مقاله حاضر درصدد بیان این نکته می‌باشد که هیچکدام از نظریات ارائه شده در مورد ماهیت دولت محمدرضا شاه به تنهایی قادر به تبیین چستی این دولت نیست زیرا هر کدام از این نظریات دارای نقاط ضعفی است که باعث میشود نتوان تصویر درستی از دولت پهلوی دوم ارائه کرد بنابراین نظریه دولت پاتریمونیالیسم تحصیلدار که تلفیقی از دونظریه پاتریمونیالیسم و دولت رانتیر است بیشتر قابل انطباق با دولت پهلوی دوم را دارا می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش

الف: دولت رانتیر

رانت به مثابه‌ی یک اصلاح اقتصادی به درآمدهایی اطلاق میشود که بدون کار و تلاش یدی و فکری بدست آیند. به طور کلی زمانی که از رانت سخن به میان می‌آید منظور درآمدهایی است

که از مواهب طبیعی عاید می‌گردد. بدین ترتیب میتوان دریافت که رانت درآمدهایی است که بدون تلاش بدست می‌آیند و در برابر مفاهیمی چون مزد و سود به کار میروند که نتیجه ی تلاش و فعالیت اقتصادی میباشند (حاج یوسفی ۱۳۷۶: ۱۵۳). به عبارت دیگر رانت به درآمدهایی گفته میشود که از طریق فروش مواد خام از جمله نفت و گاز و مس و آهن و یا از طریق وام و کمکهای خارجی بدست می‌آیند.

اندیشمندان متعددی به بررسی و تعریف رانت و دولت رانته پرداختند که میتوان از این میان حازم بیلای و جیا کومو لوسیانی را برشمرد که در کتاب خود به نام «دولت رانتیر» اعتقاد دارند که هر دولتی که ۴۲ درصد و یا بیشتر از درآمدهای خود را از طریق رانت خارجی حاصل فروش یک یا چند ماده ی خام بدست آورد دولت رانته لقب میگیرد (نصری، ۱۳۷۹: ۲۰۱).

لوسیانی و بیلای ویژگیهای ذیل را مشخصه ی اصلی دولت رانتیر میدانند:

الف: هر دولتی که ۴۲ درصد و بیشتر از درآمدهای خود را از طریق رانت بدست آورد دولت

رانتیر قلمداد میشود

ب: این رانتها باید از خارج تامین شود و به عبارت دیگر رانت هیچگونه ارتباطی با فرایندهای

تولیدی در اقتصاد داخلی ندارد

ج: در یک دولت رانتیر تنها درصد کمی از افراد جامعه درگیر تولید رانت میباشند، بنابراین

اکثریت افراد جامعه توزیع کننده یا دریافت کننده رانت میباشند.

د: دولت رانتیر دریافت کننده اصلی رانت است و در هزینه کردن آن نیز نقش اساسی دارد

(Beblawi, Luciani, 1987, 11-12)

پس از لوسیانی و بیلای، نظریه پردازان مختلفی به بررسی و مطالعه ی اثرات و نتایج رانت بر

دولت، جامعه و اقتصاد پرداخته اند که خلاصه ی نظریات آنها را میتوان به شکل زیر خلاصه کرد:

- استقلال دولت از جامعه

- بزرگ و گسترده شدن دولت

- عدم اخذ مالیات از جامعه و در نتیجه عدم پاسخگو بودن دولت

- ایجاد انحصارات دولتی و ضعف بخش خصوصی

- ایجاد روحیه رانتی در جامعه که تولید ثروت را حاصل کار و تلاش نمیداند بلکه آن را برابندی از شانس و تصادف میدانند
- تاثیر پذیری شدید دولت و اقتصاد و جامعه از نوسانات قیمت رانت
- مصرف زدگی و سرمایه گذاری وابسته
- ضعف کارآمدی دولت

ب: پاتریمونیالیسم

اصطلاح پاتریمونیالیسم را نخستین بار ماکس وبر به کار بست. از نظر ماکس وبر پاتریمونیالیسم یک نوع حاکمیت سنتی است که در آن یک خاندان پادشاهی، قدرت را از طریق دستگاه عریض و طویل اداری به شکل اجبار آمیزی اعمال می کند (ازغندی، ۲۶: ۱۳۸۹). بعد از ماکس وبر پیروان و شارحان وی تلاش زیادی برای هماهنگ کردن نظریات وی با شرایط کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین کردند. از بین متفکرینی که که به بحث پیرامون سلطه پاتریمونیالی پرداخته اند آقای جیمز بیل که از شارحان ماکس وبر میباشد شش ویژگی را برای نظام پاتریمونیالیسم برشمرد که نسبت به دیگر تعارف جامع تر و کامل تر میباشد. ویژگیهای نظام پاتریمونیالیسم از منظر وی عبارتند از:

الف: شخصی بودن قدرت سیاسی و اینکه حاکم در راس قدرت سیاسی و اقتصادی قرار دارد و از طریق روابط شخصی حکومت میکند. اگر نهاد مشارکتی نیز وجود داشته باشد تمام آنها جنبه فرمایشی دارد.

ب: شخصی بودن قدرت سیاسی و تمرکز قدرت در دست یه نفر به غیر شفاف شدن و غیر رسمی شدن آن منتهی میشود و حاکم هیچگونه تعهدی به اجرای اصول قانونی و قید و بندهای سنتی ندارد.

ج: ویژگی دیگر نظام پاتریمونیالیسم ایجاد شبکه حامی پروری است.

د: اصل دیگر نظام پاتریمونیالی سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن در بین محفل درونی، خویشاوندان حاکم و نیروهای رقیب برای تسلط بر آنها است.

ه: ویژگی در نظام پاتریمونیالی دیوانسالاری گسترده و وفارار به حاکم است

خ: استفاده از مذهب برای کسب مشروعیت از دیگر ویژگیهای نظام پاتریمونیالی است (Bill, 1984, 203-201)

پیشینه پژوهش

علیرضا ازغندی (۱۳۸۷)، در کتاب «درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی ایران» به بیان نظریات مختلف دولت در مورد ماهیت دولت در ایران پرداخته است. وی در این کتاب چهار نظریه شیوه ی تولید آسیایی، پاتریمونیالیسم، دولت رانتیر و دولت مطلقه را بیان میکند و ویژگیهای هر کدام از آنها را برمی شمارد.

محمد علی خنجی و محمد علی همایون کاتوزیان (۱۳۸۵) با نظریه شیوه ی تولید آسیایی و استبداد شرقی به بررسی ماهیت نظام سیاسی در ایران پرداختند که این شیوه ی تولید را در مقابل دیگر شیوه های تولید مثل فیودالی و سرمایه داری قرار میدهند.

هوشنگ شهابی و خوان لیز (۱۳۸۰) که از شارحان آرای ماکس وبر هستند در کتاب «نظام سلطانی»، ماهیت دولت پهلوی دوم را مطابق با سلطانیسم که نوع افراطی پاتریمونیالیسم است میدانند. همچنین سعید حجاریان نیز در مقاله ای با عنوان «ساخت اقتدار ساطانی؛ آسیب پذیرها؛ بدیل ها» ماهیت دولت محمد رضا شاه را بر اساس سلطانیسم تحلیل میکند.

حسین مهدوی (۱۳۸۰)، خانوم تدا اسکاچیل (۱۳۸۲) و افسانه نجم آبادی (۱۳۸۲) در مقالات جداگانه ای به بررسی ماهیت دولت پهلوی دوم بر اساس نظریه دولت رانتیر پرداخته اند و اعتقاد دارند که ماهیت دولت محمد رضا شاه به علت وابستگی زیاد به درآمدهای نفتی یک دولت رانتیر است.

روش شناسی پژوهش

منظور از روش پژوهش، فنون یا رویه های واقعی برای گردآوری و تحلیل داده است. پژوهش حاضر با بهره گیری از پژوهش های انجام گرفته و متون موجود در رابطه با دولت و ساختار دولت حکومت پهلوی دوم، با روش اسنادی _ کتابخانه ای در نظر دارد ابعاد نظری مفهوم دولت در

ایران را بیان کرده و سپس با استفاده از یک رویکرد تلفیقی ضمن ترکیب دو نظریه دولت رانتیر و نظریه پاتریمونیالیسم نقاط ضعف هر کدام از نظریات را بوسیله نقاط قوت نظریه دیگر پوشش دهد.

یافته‌های پژوهش

هسته اصلی نظریه پاتریمونیالیسم تحصیلدار این نکته می‌باشد که رانتی بودن دولت پهلوی دوم در سالهای ۴۲ تا ۵۷ و درآمدهای رانتی حاصل از فروش نفت علت اصلی تداوم وافرطی شدن ویژگی‌های پاتریمونیالی این رژیم شده است. به عبارت دیگر درآمدهای باد آورده نفتی که از زمان قرارداد کنسرسیوم در سال ۱۳۳۳ به بعد عاید حکومت محمد رضا شاه شد علت اصلی در ملموس تر شدن ویژگیهای پاتریمونیالی این دولت شده است.

آقای حاج یوسفی رانتی بودن دولت پهلوی دوم را به عنوان یک واقعیت می‌پذیرد و با تاکید بر عوامل درون جامعه ای استدلال می کند که مفهوم سازی دولت ایران به عنوان یک دولت رانتیر میتواند در فهم منابع اقتصادی دولت پهلوی دوم و مداخله ی گسترده ی آن در اقتصاد یاری رساند، ولی کافی نیست چرا که علاوه بر تحصیلدار بودن دولت، شاه قدرت تصمیم سازی را بع صورت انحصاری در اختیار خود داشت (حاج یوسفی، ۱۳۷۸: ۶۶-۶۵).

خانم تدا اسکاچپول نیز در مقاله خود با عنوان «حکومت تحصیلدار و اسلام شیعی در انقلاب ایران» دولت پهلوی دوم را یک دولت رانتی میدانند و می‌گویند: «در زمان محمد رضا شاه پایه های داخلی دولت ایران تغییر کرد و دولت به گونه ای فزاینده به درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز وابسته شد. حکومت ایران به یک دولت رانتی غرق در دلارهای نفتی تبدیل شد و به آهنگ اقتصاد سرمایه داری سخت پیوند خورد. به ویژه پس از دهه ی ۱۹۶۰ این دولت نیازی به کسب درآمدهای مالیاتی از مردم خودش را نداشت» (اسکاچپول، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

یکی از اصلی ترین ویژگیهایی که آقای لوسیان و بیلاوی برای دولت رانتیر بر شمرده اند این است که دولت رانتیر دولتی است که که ۴۲ درصد و یا بیشتر از درآمدهای خود را از طریق رانت خارجی بدست آورد. این ویژگی به خوبی در ایران سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ به خوبی قابل مشاهده است.

گزارشهای گوناگون حکایت از آن دارد که تکیه گاه اصلی درآمدها و بودجه ی کشور در این سالها درآمدهای روز افزون نفتی بوده است. در جدول شماره ۱ به خوبی این امر قابل مشاهده است که بیش از ۴۵ تا ۵۰ درصد از درآمدهای دولتی در بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۰ از طریق رانت نفتی تامین میشده است. که این میزان در طی سالهای ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴ به ترتیب ۵/۶۵ درصد، ۵/۸۵ درصد و ۷۹ درصد افزایش یافته است.

جدول شماره ۱: سهم درآمدهای نفتی در بودجه دولتی (میلیارد ریال)

سال	بودجه جاری	درآمدهای نفتی	درآمد های غیر نفتی	هزینه های جاری	استقراض خارجی
۱۹۶۸	۱۲۸/۳	۶۱/۸	۶۶/۵	۱۱۰/۱	۲۵/۸
۱۹۶۹	۱۴۳/۰	۷۰/۱	۷۲/۹	۱۱۴/۴	۲۱/۲
۱۹۷۰	۱۷۰/۰	۸۳/۸	۸۶/۲	۱۳۵/۰	۱۹/۵
۱۹۷۱	۲۵۶/۵	۱۵۰/۳	۱۰۶/۲	۱۷۵/۹	۱۵/۳
۱۹۷۲	۳۰۲/۱	۱۷۸/۵	۱۲۳/۶	۲۱۸/۳	۱۰/۷
۱۹۷۳	۴۶۸/۸	۳۱۱/۳	۱۵۳/۵	۳۱۶/۸	-۱/۹
۱۹۷۴	۱۳۹۴/۴	۱۲۰۵/۲	۱۸۹/۲	۸۲۵/۸	۹/۵
۱۹۷۵	۱۵۸۲/۱	۱۲۴۶/۸	۳۳۵/۳	۹۶۹/۴	۶/۱
۱۹۷۶	۱۸۳۶/۴	۱۴۲۱/۵	۴۱۴/۹	۱۰۸۳/۸	۲۵/۴
۱۹۷۷	۲۰۳۴/۲	۱۴۹۷/۸	۵۳۶/۴	۱۲۴۸/۱	۲۹/۴
۱۹۷۸	۱۵۹۸/۶	۱۰۱۳/۲	۵۸۵/۴	۱۲۷۲/۴	۰/۸

منبع: تهیه شده بر اساس گزارش سالانه بانک مرکزی ایران، سالهای ۱۳۴۸، ۱۳۵۰، ۱۳۵۴.

با جمع کردن درآمدهای نفتی با درآمدهای غیر نفتی جمع کل درآمدهای دولتی به دست می آید که طبق جدول فوق همواره بیش از ۴۵ درصد از درآمدهای دولت پهلوی دوم از طریق نفت حاصل میگردد. در این قسمت و پس از ثابت شدن رانتی بودن دولت محمد رضا شاه به بررسی شاخصهای نظریه پاتریمونیالیسم تحصیلدار میپردازیم.

۱. نفت و شخصی شدن قدرت سیاسی

یکی از اصلی ترین ویژگیهایی که جیمز بیل برای پاتریمونیالیسم برشمرده شخصی بودن قدرت سیاسی است و اولین تاثیری که درآمدهای هنگفت نفتی بر ساختار حکومت پهلوی دوم گذاشت

شخصی تر شدن قدرت سیاسی در دست وی بوده است. این افزایش درآمد مستقل از پایه‌ی مالیاتی امکان اتخاذ و اجرای سیاستهای مختلف اجتماعی و اقتصادی را بدون توجه کافی به خواست و رضایت اجتماعی فراهم می‌آورد. بدین ترتیب بازگشتی باور نکردنی از فرمول کلاسیک عدم اخذ مالیات در مقابل عدم نمایندگی بار دیگر ظاهر میشود. دولت پهلوی هیچ تعهد و اجباری به نماینده بودن نداشت در عوض به صورت موثر از مردم مالیات دریافت نمیکرد. به موازات تمرکز انحصاری رانت حاصل از فروش نفت شاهد تمرکز روز افزون سیاستگذاری حکومت در بخشهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هستیم، به نحوی که هیچگونه راه حل قانونی که گروههای اجتماعی بتوانند بر حکومت تاثیر بگذارند باقی نماند (ازغندی، ۱۳۸۹: ۴۲). این درآمدهای نفتی باعث شد که محمد رضا شاه اعتبارات و امکانات کافی را برای حفظ و گسترش قدرت خویش بدست بیاورد. وی از این درآمدها برای تقویت حامیان خود از جمله ارتش استفاده میکرد که کاملاً مطیع وی بودند. همچنین وی به سبب در دست داشتن دلارهای نفتی که مستقل از جامعه بود خود را ملزم به پاسخگویی به هیچ کس به خاطر اقداماتش نمیدانست و روز به روز بر دامنه‌ی قدرت و اختیارات خود می‌افزود. مجالس نیز در این دوره نیز کاملاً جنبه‌ی فرمایشی و صوری داشت و بیشتر نمایندگان آن مطیع و فرمانبردار شاه بودند و این مجالس به جای اینکه نماینده‌ی منافع رای دهندگان باشند به عنوان اهرمی در اختیار ساه بودند برای قانونی جلوه دادن قدرت و عملکرد خویش.

۲. نفت و فساد

یکی دیگر از ویژگیهای پاتریمونیالیسم غیر رسمی شدن و غیر شفاف شدن ساختار سیاسی و اقتصادی و بالا بودن فساد است که این مورد در ساختار رانتی حکومت محمد رضا شاه به خوبی قابل مشاهده است. اولین جایی که میتوان فساد سیاسی را به خوبی مشاهده مجلس سال ۱۳۴۲ است. نمایندگان مجلس اصولاً باید افرادی باشند که در راستای منافع ملی و مردم گام برمیدارند که لازمه‌ی آن استقلال و عدم وابستگی آنها به حاکمیت است زیرا باید این نمایندگان حامی منافع مردم در برابر حکومت باشند ولی نمایندگان این دوره از مجلس در ایران «از میان کسانی دستچین شده بودند که حاضر بودن بدون توجه به طبقات و رده‌های اجتماعی، حرفه، تجربه سیاسی چون

عروسک بدون اراده عمل کنند» (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۷۹). این نمایندگان به جای اینکه افرادی باشند برای رساندن صدای مردم به حکومت، درصدد بودند هرچه بیشتر مراتب وفاداری خود به شاه و دربار را نشان دهند تا مورد لطف و حمایت آنان قرار گیرند. به جای مجلس این دربار است که مبادرت به تصمیم سازی میکند و تصمیمات مهم به جای اینکه از مجاری مجلس و قوه ی مقننه اتخاذ شوند از طریق دربار و محافل درونی و غیر رسمی شاه اتخاذ میشوند و به همین علت شاهد افزایش فساد و غیر شفاف بودن سیاست و تصمیم گیری هستیم.

در نظام محمدرضا شاه، شرایط متفاوت سیاسی و اقتصادی [نسبت به رضاشاه] به سطوح و شدت متفاوت به فساد اداری منجر شد. در سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ جریان پیوسته درآمدهای نفتی، کمک خارجی و رشد دیکتاتوری فساد اداری را افزایش داد و رشد اقتصادی در دهه ی ۱۳۴۰ و درآمدهای نفتی عظیم باعث اوج گیری فساد به میزان بی ثابقه ای شد (شهابی، لینز، ۱۳۸۰: ۴۰). در این دوره افزایش فعالیت بنیاد پهلوی که ظاهراً یک بنیاد خیریه بود فساد اداری و اقتصادی را رواج داد (شهابی، لینز، ۱۳۸۰: ۴۰).

حضور خاندان پهلوی و دخالت آنها در سیاست و اقتصاد یکی دیگر از عوامل فساد اقتصادی و سیاسی در زمان محمد رضا شاه بود. خاندان پهلوی با سرمایه گذاریهایی که در بخشهای مختلف از جمله نفت میکردند روز به روز بر قدرت و ثروت خود می افزودند و از سوی دیگر به علت نداشتن سمت رسمی در دولت و حکومت باعث مبهم شدن فعالیت سیاسی و اقتصادی کشور میشدند. شاه، خاندان سلطنتی و دربار جز کسانی بودند که بیشترین سود را از درآمدهای نفتی می بردند. «نظام پهلوی در فساد، رشوه خواری و مال اندوزی غرق بود که در راس این فساد خواهر شاه اشرف و وزیر دربار اسدالله علم قرار داشتند که هر کدام برای خود نیمچه درباری داشتند و اعوان و انصار را دور خود جمع میکردند» (فوران، ۱۳۷۷: ۴۶۴).

۳. نفت و مشروعیت

یکی دیگر از تاثیراتی که نفت بر ویژگیهای پاتریمونیالی دولت پهلوی داشت استفاده از درآمدهای نفتی برای کسب مشروعیت بود. یکی از اصلی ترین برنامههای شاه در این زمینه انجام اصلاحات ارضی و برنامه های توسعه بود تا از این طریق خود را فردی طرفدار توسعه ی کشور و

بهبود دهنده ی شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم نشان دهد. شاه با انجام اصلاحات ارضی درصدد بود به دو هدف برسد، اولاً قدرت بزرگ مالکان را در هم شکند و امکان شکل گیری یک طبقه ی قدرتمند را مسدود کند و از سوی دیگر با دادن زمینها به دهقانان و کشاورزان خود را حامی طبقات فرودست جامعه نشان دهد، تا از این طریق بتواند برای خود در بین تودها مشروعیت کسب کند و با جلب حمایت کشاورزان و دهقانان برای خود یک طبقه ی حامی و پشتیبان ایجاد کند.

دولت پهلوی برای انجام اصلاحات ارضی به بودجه وامکانات کافی نیاز داشت که این امکانات از طریق درآمدهای نفتی مهیا شد. دولت با استفاده از درآمدهای نفتی زمینها را از بزرگ مالکان خریداری میکرد و سپس زمینها را به کشاورزانی که روی همان زمین فعالیت میکردند می فروخت (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۵۲۰). یکی دیگر از برنامه های دولت شاه برای کارآمد نشان دادن خود و به تبع آن کسب مشروعیت انجام دادن برنامه های توسعه بود، برای اینکه خود را یک دولت مترقی و کارآمد نشان دهد که هدفش پیشرفت و ترقی ایران و بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی ایرانیان است. در برهه ی زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ برنامه های توسعه ی دوم، سوم، چهارم و پنجم انجام پذیرفت که مبنا و پایه ی اعتبارات برای انجام این برنامه ها از طریق درآمدهای نفتی حاصل میشد و این درآمدهای نفتی بود که تکیه گاه اصلی انجام برنامه های توسعه بود.

برای مثال برای انجام برنامه ی پنجم توسعه که از سال ۱۳۵۲ تا ۵۶ بود اعتباری معادل ۱۵۶۰ میلیارد ریال به تصویب رسید. برای تامین این بودجه ی هنگفت، تصمیم گرفته شد که روزانه تا ۵ میلیون بشکه نفت خام صادر شود. با جنگ چهارم اعراب و اسرائیل قیمت نفت افزایش یافت و به تبع آن درآمدهای نفتی ایران از ۵/۲ میلیارد دلار به ۲۰ میلیارد دلار رسید. این افزایش درآمد باعث تجدید نظر در برنامه ی توسعه شد و اعتبارات عمرانی در این برنامه دو برابر شد (ازغندی، ۱۳۸۷: ۱۶۴). در این برنامه شاه درصدد بود با افزایشی که در درآمدهای نفتی ایجاد شده است ایران را چند ساله به یک کشور پیشرفته ی اقتصادی تبدیل کند که در ادبیات سیاسی آن به عنوان دیکتاتوری توسعه یاد میشود که هدف دولت از اجرای آن کارآمد نشان دادن خود بود که از این طریق بحران مشروعیت خود را جبران کند.

یکی دیگر از ویژگیهای دولت پاتریمونیالی کسب مشروعیت از طریق مذهب بوده است. شاه در کنار برنامههای توسعه ای و اقتصادی سعی میکرد از عامل مذهب نیز برای کسب مشروعیت و مقبولیت بهره مند شود. «شاه و همسرش همواره برای زیارت به مکه، کربلا، قم و مشهد میرفتند. رهبران برجسته ی دینی مثل آیت الله بروجردی، آیت الله بهبهانی و امام جمعه ی تهران دسترسی آسان به دربار داشتند. دولت نسبت به تقویت و حمایت از مذهب متعهد میشد و همواره حزب توده را دشمن مالکیت خصوصی و اسلام می خواند» (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۵۱۷).

۴. تفت و دیوان سالاری

دیگر ویژگی که جیمز بیل برای پاتریمونیالیسم بر میشمرد بروکراسی گسترده است که به حاکم پاتریمونیالی وفادار است. در زمان پهلوی دوم به موازات افزایش قیمت نفت شاهد گسترش دیوانسالاری دولتی هستیم و همزمان شاهد وفاداری این بروکراسی به شخص محمد رضاشاه هستیم.

دیوانسالاری در واقع یکی از پایگاههای بسیار مهم و اساسی حاکمیت محمد رضا شاه را تشکیل میداد. درآمدهای روز افزون دولت از فروش نفت و توزیع انحصاری آن از جمله عوامل تعیین کننده ای بود که به کارکرد دستگاه حکومتی خصلت و ماهیت جدید بخشید. گسترش روز افزون سرمایه داری دولتی ناشی از فروش نفت به گسترده شدن ماشینی دولتی شتاب فوق العاده ای داد، به طوری که در مدت زمان کوتاهی ۱۰ وزارتخانه ی دولتی به ۲۰ وزارتخانه افزایش یافت. درآمدهای نفتی امکانات و تسهیلات مالی بسیاری برای پرداختهای جاری و عمرانی و برپا کردن صدها کارخانه و موسسه اقتصادی و ایجاد صنایع فراهم آورد و دستگاه حکومتی به بزرگترین سازمان اشتغال زا و سرمایه گذار تبدیل شد. به طور کلی تعداد کارکنان دولت در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۰ از ۴۵ هزار نفر به ۷۴۴ هزار نفر رسید و تعداد حقوق بگیران در سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ به موازات افزایش درآمد دولت از فروش نفت به روند صعودی خود ادامه داد، به طوری که تعداد کارمندان در سال ۱۳۵۴ به ۹۰۰ هزار نفر رسید (ازغندی، ۱۳۸۷: ۲۵۵). شاه بواسطه ی امکانات و اعتباراتی که داشت دست به تشکیل سپاه دین، دانش، بهداشت و... زد و از این طریق بروکراسی وی در نقاط دور افتاده نیز نفوذ پیدا کرد.

این بروکراسی گسترده و در حال افزایش کاملاً در اختیار شاه قرار داشت و هیات دولت و شخص نخست وزیر در کانون و مسئول آن به جای اینکه اجرا کننده‌ی تصمیمات قوه‌ی مقننه باشد، مجری اوامر و دستورات محمد رضا شاه بود. شاه در انتخاب و تغییر کابینه‌ها نقش اساسی ایفا میکرد، در واقع وزرا نه به دلیل اینکه عضو کابینه هستند، بلکه به عنوان یک فرد مورد توجه شاه قرار داشت» (از غندی، ۱۳۸۷: ۲۵۳).

۵. نفت و تفرقه اندازی

ویژگی دیگر نظام پاتریمونیالیسم در الگوی جیمز بیل سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن است که حاکم از طریق ایجاد تفرقه بین دیگران در صدد است قدرت خویش را استحکام بخشد. محمد رضا شاه و دولت وی با استفاده از درآمدهای نفتی و امکاناتی که از طریق این انحصار در رانت نفتی در اختیار داشتند به ایجاد تفرقه بین محافل درونی و نیروهای مخالف می پرداخت و از طریق ایجاد رقابت کاذب بین رقبا قدرت خویش را استحکام میبخشید.

وزارت دربار به رهبری مستقیم محمد رضا شاه و اعضای محفل درونی اش با بر خورداری از یک شبکه‌ی پرسنلی گسترده و با توسل به سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن همه‌ی امور کشور را زیر نظر داشت. محمد رضا شاه همچنین از سیاست موازنه‌ی تضاد در کنترل نزدیکان و وابستگان به میزان زیادی استفاده میکرد. محمد رضا شاه و بسیاری از اعضای محفل درونی وی از سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن استفاده میکردند یعنی برای دستیابی سریعتر به اهداف و امیال خود در میان رقبا اختلاف می انداختند (از غندی، ۱۳۸۷: ۲۳۷-۲۳۶).

۶. نفت و حامی پروری

طبق الگویی که جیمز بیل برای حکومت پاتریمونیالیسم ارایه کرده است یکی از اصلی ترین ویژگیهایی این نوع نظامها وجود شبکه‌ی حامی پروری است. از سوی دیگر طبق الگوی دولت رانتیر لوسیانی و بیلایوی این نوع دولتها هم انحصار دریافت وهم هزینه کردن رانت را در اختیار دارند. بنابراین دولت رانتی از این درآمدها برای جلب حمایت و اطمینان از وفاداری حامیان خویش و طرد و سرکوبی مخالفان استفاده میکند. دولت پهلوی دوم نیز از درآمدهای رانتی برای

ایجاد یک شبکه ی حمایتی از نزدیکان و وابستگان خود استفاده میکرد و از سوی دیگر با تقویت نیروها و تجهیزت نظامی و اطلاعاتی به مقابله و سرکوب معارضین و مخالفین اقدام میکرد.

محمد رضا شاه سعی میکرد وفاداری مقامات حکومتی را از راه پرداخت حقوق و مزایای خوب و تحمل فساد این مقامات، نسبت به خود جلب کند. در روند نوسازی و دگرگونی اجتماعی سالهای آخر سلطنت پهلوی دوم روند غیر رسمی محفل درونی شاه جایگزین نهادهای رسمی ومدنی شده بودند ادامه یافت و هر یک از افراد جایگاه خاص خویش را در حلقه ی درونی شاه داشت و معیار نزدیکی این افراد به شاه وفاداری به شاه و میزان اعتماد شاه به وی بوده است.

دو نهادی که در دوره ی پهلوی دوم به خوبی نشانگر رابطه ی حامی پروری رژیم پهلوی بود یکی وزارت دربار و دیگری خانواده ی سلطنتی بود. وزارت دربار جزء وزارتخانه های کابینه محسوب نمیشد ولی از لحاظ پرسنلی در برگیرنده ی تمام افرادی بود که از دل و جان به خانواده ی پهلوی خدمت میکردند. وزارت دربار از واحدها و سازمانهای مختلفی تشکیل میشد که هر کدام از این واحدها برای انجام کارهای کارمندان زیادی را در اختیار داشت. برای احراز مقام وزارت دربار در چه اول وفاداری نسبت به شاه و اعتماد او مهمترین شرط بود و وزیر دربار معمولاً از بین معتمدترین و وفادارترین شخصیتها با شاه انتخاب میشد. هزینه های وزارت دربار و ارکان و سازمانهای گسترده وابسته به آن از طریق درآمدهای دولتی ناشی از فروش نفت تامین میشد و این درآمدهای مستقل از جامعه که در دست دولت پهلوی متمرکز شده بود ابزار مناسبی بود برای گسترش شبکه ی حامی پروری شاه و جلب حمایت آنها.

خاندان سلطنتی یکی دیگر از شاخص های حامی پروری در زمان محمد رضا شاه بود. ملکه ی مادر، خواهران و برادران و همسر شاه از جمله اعضای خاندان سلطنتی بودند که دارای قدرت فراوانی بودند. حکومت پهلوی با ایجاد سازمان بنیاد پهلوی که همه ی اعضای خاندان سلطنتی نیز عضو آن بودند، دست به فعالیت گسترده در زمینه ی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میزد. این بنیاد و شرکتهای و موسسات وابسته به آن به عنوان یک شبکه ی حمایتی برای حکومت پهلوی درآمد، که اگرچه ظاهراً یک بنیاد خیریه بود ولی با فعالیتهای گسترده ای که در زمینه های مختلف انجام میداد باعث تقویت قدرت خاندان شاه میشد.

هر کدام از اعضای خاندان سلطنتی برای خود نیمچه درباری داشتند و هر کدام برای خود بنیادهای جداگانه ای داشتند که کارمندان فراوانی در آنها مشغول به کار بودند. از جمله این بنیادها میتوان به بنیاد فرح و بنیاد اشرف اشاره کرد. هزینه ای این بنیادها و حامیان شاه از طریق دلارهای نفتی و فعالیت های اقتصادی این بنیادها در پروژه های اقتصادی تامین می شد. شاه با ایجاد چنین شبکه ی گسترده حامی پروری در اطراف خود درصدد بود بقای حکومت خویش را تثبیت کند. از سوی دیگر حکومت پهلوی برای مقابله با دشمنان داخلی و خارجی با استفاده از دلارهای نفتی اقدام به سرمایه گذاری های هنگفتی در زمینهای نظامی و امنیتی میکرد. در زمینه ی اطلاعاتی حکومت پهلوی همکاری گسترده و تزدیکی با موساد و سیا داشت و جدیدترین تکنولوژیهای اطلاعاتی را از کشورهای غربی خریداری میکرد. «بودجه دفاعی کشور که در سال ۱۳۴۹ معادل ۸۴۴ میلیون دلار بود در سال ۱۳۵۶ به ده میلیارد دلار افزایش یافت و سفارش ایران به برکت این افزایش قیمت نفت از ۵ میلیارد دلار در همان سال تجاوز می کرد. تحکیم ارتش و تقویت کمی و کیفی نیروهای مسلح و امنیتی کشور در بیست سال آخر سلطنت پهلوی دوم و از همه مهمتر به کار گیری نیروهای مسلح برای سرکوب مردم و ریشه کن کردن هر نذع اندیشه ی سیاسی به جز ایدئولوژی شاهی، عنصر اساسی سیاست داخلی و خارجی حکومتی را تشکیل می داد» (از غندی، ۱۳۸۷: ۲۶۱).

۷. نفت و وابستگی خارجی

یکی دیگر از ویژگیهای حکومت پاتریمونیالیسم وابستگی این دولت به یک قدرت خارجی است زیرا در درون کشور این نوع حکومت دارای پایگاه اجتماعی قوی نیست بنابراین این حکومت یک حامی خارجی ر چایگزین حمایت داخلی میکند. غالباً فروانروایان نظام های سلطانی (شکل افراطی پاتریمونیالیسم) با حمایت گروههای کاملاً مشخص به قدرت میرسند، با این وجود کم کم آنها بسیاری از حمایت اجتماعی اولیه شان را از دست میدهند و به گونه ی فزاینده بر ترکیبی از ترس و پاداش متکی میشوند. پایگاه اجتماعی این نوع حکومتها محدود به افراد مورد حمایت آن هستند، یعنی اعضای خانواده حاکمان و دوستانشان

اغلب گفته میشود که رهبران نظام سلطانی حمایت یک ابرقدرت خارجی را جایگزین پایگاه قدرت داخلی میکنند (شهابی، لینز، ۱۳۸۰: ۵۲-۴۸). در مورد حکومت پهلوی دوم نیز این امر صادق است و این حکومت به علت نداشتن پایگاه اجتماعی قوی در داخل روز به روز بیشتر به آمریکا وابسته میشد. دولت ایران در این سالها مورد حمایت کامل آمریکا قرار داشت و همواره کمکهای فراوان مالی و نظامی را از این کشور دریافت می نمود. یکی از اصلی ترین عوامل استحکام این رابطه بین ایران و آمریکا نفت و درآمدهای نفتی ایران بود. آمریکا از نفت ایران برای کاربرد در صنایعش سود می برد و از طرف دیگر از درآمدهای نفتی ایران برای فروش تسلیحات نظامی خود به ایران استفاده می کرد.

آمریکا طبق سیاست جدید خود در زمان نیکسون در صدد بود تا تامین امنیت مناطق مختلف جهان را به کشورهای قدرتمند حامی خود در منطقه واگذار کند و خود کمتر حضور فیزیکی در این مناطق داشته باشد. یکی از اصلی ترین این مناطق خاور میانه بود. آمریکا دنبال کشوری بود که از یکسو پتانسیل و توانایی لازم را برای اداره این منطقه داشته باشد و از سوی دیگر همسو با منافع و اهداف آمریکا باشد. در میان کشورهای خاور میانه ایران هر دو پارامتر را دارا بود، از یکسو طبق معاهدات مختلف از جمله سنتو و بغداد به جرگه ی بلوک غرب پیوسته بود و در وبا اهداف و منافع غرب همسو بود و از سوی دیگر دارای توانایی کافی چه از لحاظ نیروی انسانی و شرایط جغرافیایی و چه از لحاظ منابع طبیعی و اقتصادی برای مدیریت این منطقه برخوردار بود. بنابراین ایران به عنوان ستون اصلی خاور میانه در کنار عربستان قرار گرفت و وظیفه تامین امنیت این منطقه را بدست گرفت. در این دوران ایران به واسطه ی درآمدهای نفتی خود شروع به خرید تسلیحات و جنگ افزارهای نظامی از کشورهای غربی و آمریکا کرد و روز به روز مناسبات ایران و آمریکا گسترده تر میشد. دولت پهلوی با درآمدهای حاصل از فروش نفت خود به غرب از این کشورها تسلیحات نظامی و صنایع سبک و سنگین را خریداری میکرد و کم کم خود را تبدیل به قدرت اول منطقه کرد و به واسطه ی این درآمدهای رانتی دامنه ی قدرت خویش را حتی از خاورمیانه فراتر برد و در برخی مناقشات برون منطقه ای مثل جنگ دو کره و جنگ ویتنام در کنار نیروهای غربی به ایفای نقش مشغول بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش با ارایه‌ی نظریه‌ی پاتریمونالیسم تحصیلاتار که تلفیقی از دو نظریه پاتریمونالیسم و دولت رانتیر است ماهیت دولت پهلوی دوم مورد بررسی قرار گرفت. این نظریه تلفیقی است از ویژگیهایی که آقای حازم بیلاوی و جیاکومو لوسیانی برای دولت رانتیر برشمرده اند با الگوی دولت پاتریمونالیسم جیمز بیل که هسته‌ی اصلی این نظریه این نکته می‌باشد که رانتی بودن دولت محمد رضا شاه در سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ و درآمدهای انحصاری نفتی که در دست دولت پهلوی بود علت اصلی تداوم و افراطی شدن ویژگیهای پاتریمونالی این دولت از جمله شخصی شدن قدرت سیاسی و تمرکز قدرت در دستان محمد رضا شاه شده است.

در انتها می‌توان به این نتیجه رسید که دولت پهلوی دوم به علت نداشتن پایگاه اجتماعی قوی، از درآمدهای رانتی برای ایجاد یک رابطه‌ی حامی پروری در اطراف خود بهره میبرد و از سوی دیگر با وابستگی که به آمریکا پیدا کرده بود از این قدرت خارجی در کنار شبکه‌ی حامی پروری خود برای جبران ضعف پایگاه اجتماعی اش استفاده میکرد. این عامل یکی از عوامل نارضایتی اجتماعی گسترده از محمد رضا شاه شد و این دولت به علت نداشتن طبقه‌ی اجتماعی و حامی قدرتمند در بین اقشار و طبقات جامعه در برابر حرکت عظیمی که در سال ۱۳۵۷ شکل گرفت به شدت آسیب پذیر شد. بنابراین در برابر حرکت عظیم انقلابی طبقه‌ی حامی از این دولت نپرداخت و سرانجام در نبود حامیان قدرتمند داخلی این دولت در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نتوانست فشار اجتماعی را تحمل کند و از هم فروپاشید.

فهرست منابع

۱. آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹)؛ «ایران بین دو انقلاب»، چاپ هفدهم، ترجمه گل محمدی، فتاحی، تهران: نشر نی
۲. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹)؛ «درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی»، چاپ دوم، تهران: قومس
۳. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۷)؛ «تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران»، چاپ پنجم، تهران: سمت
۴. اسکاچپل، تدا (۱۳۸۲)؛ «دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب ایران»، ترجمه محمد تقی دلفروز، مطالعات راهبردی، شماره ۱۹.
۵. حاج یوسفی، امیر محمد (۱۳۷۸)؛ «دولت، نفت و توسعه ی اقتصادی در ایران»، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۶. حاج یوسفی، امیر محمد (۱۳۷۶)؛ «رانت، دولت رانتیر و رانتیریسیم: یک بررسی مفهومی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲۵ و ۱۲۶
۷. شهابی، هوشنگ، لینز، خوان (۱۳۸۰)؛ «نظام های سلطانی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: شیرازه
۸. فوران، جان (۱۳۷۷)؛ «مقاومت شکننده»، چاپ اول، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا
۹. نصری مشکینی، غدیر (۱۳۷۹)؛ «دولت رانتیر و پروژه ی تامین امنیت ملی»، مطالعات راهبردی، شماره ۷ و ۸
۱۰. همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۸۵)؛ «تضاد دولت و ملت»، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشرنی
۱۱. همایون کاتوزیان (۱۳۷۲)؛ «اقتصاد سیاسی»، چاپ سیزدهم، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز

1. Beblawi, H, Luciani, G (1384); «The Rentier state», Londen, Croom Helm.

2. Bill, J, Leiden, C (1384); «Politics in the Middle East», Boston, Little Brown

